



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

حدود تفکیک پذیری رابطه سندی از رابطه اولیه در حقوق اسناد تجاری با رویکرد فقهی

احمد اسفندیاری^{*۱}

۱. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بر خلاف قواعد فقهی و مقررات حقوق مدنی که به دنبال احقاق حق و برقراری عدل بوده و در آن، سبب، یکی از ارکان هر عمل حقوقی، تلقی گردیده و انتقال دین به طور مطلق، متأثر از رابطه اولیه، محسوب می‌شود، حقوق اسناد تجاری تحت تأثیر برخی نظام‌های حقوقی که چنین انتقالی را مطلقاً، مستقل از تأثیر سبب در نظر می‌گیرد، قرار دارد. پژوهش حاضر به بررسی حدود تفکیک‌پذیری رابطه سندی از رابطه اولیه در حقوق اسناد تجاری می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: دارنده سند تجاری به واسطه اعتماد به ظهوری که از طریق امضای آن ایجاد شده است، آن را از دارنده قبل از خود انتقال گرفته است. بنابراین حق دارد برای دریافت مبلغ مندرج در سند به آنها مراجعه نماید اگرچه متعهد سند در مقابل انتقال‌دهنده، دلایل موجهی برای عدم پرداخت داشته باشد. هدف اصلی حقوق تجارت به طور کلی، مخصوصاً حقوق اسناد تجاری و بالاخص حقوق براتی، بر خلاف قواعد فقهی و مقررات حقوق مدنی، اولاً و بالذات، تأمین سرعت و نظم است. یکی از وسایل تأمین این هدف، خنثی نمودن تأثیرات ناشی از روابط پیش از صدور سند برای حفظ تمامیت تعهدات براتی می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: از مجموع مقررات کم فروغ موجود ناظر به برات، سفته و چک در حقوق ایران می‌توان رگه‌هایی از تفکیک رابطه سندی از رابطه اولیه را مشاهده نمود. حقوق اسناد تجاری کشور ما به دلیل کهنگی قوانین مربوط و وجود ضعف‌های ذاتی با حقوق اسناد تجاری نوین، فاصله زیادی دارد. برای جبران نقص‌های موجود تا قبل از انجام اصلاحات قانونی می‌توان با استعانت از قوانین موجود به همراه دکترین حقوقی و رویه قضایی و دیدگاه‌های فقهی بر خلأ قانون‌گذاری، غلبه نمود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۰-۴۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

رابطه اولیه، رابطه سندی، رابطه براتی، ظهور، تفکیک

نویسنده مسوول:

احمد اسفندیاری

آدرس پستی:

ایران، ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

۰۹۱۱۱۵۳۷۱۷۵

کد ارکید:

0000-0002-2718-8467

پست الکترونیک:

Ahmadesfandiari@iausari.ac.ir

۱. مقدمه

تفکیک‌پذیری رابطه‌سندی از رابطه‌اولیه شکلی از روابط حقوقی در روابط تجاری است. بر اساس دیدگاه پذیرفته شده در کشورهای تابع نظام حقوقی ژرمنی مانند آلمان و سوییس، سبب، جزء ارکان قراردادهای میان اشخاص به حساب نمی‌آید (سنهوری، ۱۹۸۸، ۳۸۵). به همین دلیل حقوق عینی، نسبت به اموال غیرمنقول نه صرفاً به واسطه تعهد به انتقال بلکه از طریق قرارداد ناقل حق عینی یعنی انعقاد و ثبت آن نزد سردفتر اسناد رسمی، تحقق می‌یابد (سنهوری، ۱۹۸۸، ۳۸۷). اکثر نظام‌های حقوق اسناد تجاری، تا حدودی تحت تأثیر چنین دیدگاه شدند: به محض توافق میان صادرکننده سند تجاری و دارنده، مبنی انتقال دین به براتگیر و نوشتن قبولی، وی در برابر دارنده، مسئول پرداخت وجه برات خواهد بود. به عبارت بهتر، هرگاه سند پس از وقوع هر یک از عملیات صدور، قبولی، ظهرنویسی و ضمانت، حسب مورد و تسلیم آن به دارنده به گردش درآید و از اختیار انتقال‌گیرنده بی‌واسطه از مسئول پرداخت وجه مندرج در سند خارج گردد، در این صورت، میان اطراف غیرمستقیم سند، ایرادات مربوط به رابطه‌اولیه شنیده نمی‌شود؛ زیرا در غیر این صورت، این ایرادات به تعداد امضاهای مندرج در سند، قابل تصور می‌باشد و افزایش امضاها به جای اینکه موجب تقویت اعتبار سند شود، آن را تضعیف می‌نماید (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ۷۳). این قسمت از حقوق اسناد تجاری، حقوق براتی و چنین

رابطه‌ای، «رابطه براتی» نامیده می‌شود که پرقدرت‌ترین، رابطه ناشی از سند تجاری است. اما تفکیک‌ناپذیری رابطه‌سندی از روابط اولیه شکل دیگری است که به معنای شکل دیگری از روابط اولیه در حقوق اسناد تجاری است. مطابق قواعد کلی و عمومات حاکم بر فقه اسلامی و به تبع آن، حقوق مدنی ایران، سبب، یکی از ارکان عقد، محسوب می‌شود و اعمال حقوقی مانند ضمان، کفالت، رهن و تا حدودی حواله - که عقود، تبعی و مسبوق به وجود دین بوده و میان اطراف رابطه اولیه و یا با دخالت شخص ثالثی به عنوان بدهکار یا طلبکار شکل می‌گیرند - ممکن است تحت تأثیر دین قبلی واقع شوند. چنانکه ضامن، کفیل، رهن و محال علیه می‌توانند در مقابل طلبکار مدعی شوند که معامله مبنای اعمال حقوقی مذکور به دلیل فقدان قصد یا رضا، حسب مورد، اساساً باطل بوده یا اینکه به دلیل عدم نفوذ پس از رد مالک، باطل شده است یا اینکه به دلیل معیوب بودن کالا با استناد به خیار عیب، معامله پایه را فسخ کرده است و یا اینکه با قبول بدهی مورد ادعا، مدعی تهاتر، تبدیل تعهد یا وفای به عهد گردد. البته در این میان وضعیت حواله - که اتفاقاً در مقایسه با به سه عمل حقوقی دیگر با صدور برات، شباهت بیشتری دارد، اندکی متفاوت می‌نماید. صرف‌نظر از اختلاف‌نظر فقها در مورد ماهیت حقوقی حواله - که عده‌ای آن را ایقاع (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸، ۹۵۹) و برخی نیز آن را عقد (نایینی، ۱۳۸۶) و گروهی بیع دین (ابن قدامه، بی‌تا، ۳۹۰) معرفی نمودند، حواله بر غیربدهکار یا حواله ناقص که در

۲. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش مقاله، اصول اخلاقی و علمی از جمله بهره‌گیری علمی و دقیق از منابع علمی رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

دارنده سند تجاری به واسطه اعتماد به ظهوری که از طریق امضای آن ایجاد شده است، آن را از دارنده قبل از خود انتقال گرفته است. بنابراین حق دارد برای دریافت مبلغ مندرج در سند به آنها مراجعه نماید اگرچه متعهد سند در مقابل انتقال‌دهنده، دلایل موجهی برای عدم پرداخت داشته باشد. هدف اصلی حقوق تجارت به طور کلی، مخصوصاً حقوق اسناد تجاری و بالاخص حقوق براتی، بر خلاف قواعد فقهی و مقررات حقوق مدنی، اولاً و بالذات، تأمین سرعت و نظم است. یکی از وسایل تأمین این هدف، خنثی نمودن تأثیرات ناشی از روابط پیش از صدور سند برای حفظ تمامیت تعهدات براتی می‌باشد.

آن، محیل با اینکه طلبی از محال علیه ندارد، حواله را قبول می‌نماید، عده‌ای از فقها چنین حواله‌ای را صحیح نمی‌دانند ولی مشهور آن را درست دانسته و تابع قواعد و احکام عقد ضمان قرار داده‌اند (نجفی، ۱۳۷۹، ۱۶۵). ماده ۷۲۴ قانون مدنی در تأیید همین نظر، مقرر می‌دارد: «حواله عقدی است که بموجب آن طلب شخص از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالثی منتقل می‌گردد...» و ماده ۷۲۷ قانون مدنی، اشعار می‌دارد: «در صحت حواله لازم نیست، محال علیه مدیون به محیل باشد. در این صورت محال علیه پس از قبولی در حکم ضامن است.»

به عنوان اصل کلی، تعهد ناشی از سند تجاری اعم صدور، قبولی، ظهرنویسی و ضمانت، مسبوق به وجود رابطه مبنایی قراردادی یا خارج از قرارداد است که رابطه اصلی یا موجد حق نام دارد و در این مقاله از آن با عنوان «رابطه اولیه» تعبیر می‌شود. چنان که پیش از صدور برات، معمولاً دو رابطه اولیه و پیش از صدور سفته و چک، حداقل یک، رابطه اولیه وجود دارد که اشخاص درگیر در آن برای تسویه آنها به طریق خاصی، وارد رابطه جدیدی شده‌اند که رابطه سندی نامیده می‌شود. با این حال، تصور وجود رابطه سندی بدون وجود رابطه اولیه نیز در حقوق اسناد تجاری، محتمل می‌نماید. در هر صورت پژوهش حاضر درصدد بررسی حدود تفکیک‌پذیری رابطه سندی از رابطه اولیه در حقوق اسناد تجاری می‌پردازد.

۵. بحث

۵-۱. مبانی تفکیک‌پذیری رابطه‌سندی از رابطه‌اولیه

با وجود اینکه عمومات حاکم بر فقه اسلامی، رابطه‌تبعی را تحت تأثیر روابط اولیه در نظر می‌گیرد با این حال، فقها با تفکیک دو رابطه‌مذکور، کاملاً بیگانه نیستند. عدم تأثیر فسخ یا اقاله رابطه‌اولیه بر عقد حواله و رواج دیدگاه اصالت ظاهر در متون فقهی حاکی از امکان پذیرش تفکیک رابطه‌براتی از رابطه‌اولیه است:

۵-۱-۱. عدم لزوم زوال رابطه‌تبعی با فسخ یا اقاله رابطه‌اولیه

در مورد تأثیر فسخ معامله‌مبنای (بیع و...) بر عقد حواله میان فقها اختلاف نظر وجود داشته است. در عقد حواله، ممکن است فروشنده بر عهده خریدار حواله کند تا ثمن را به ثالثی بپردازد یا بر عکس، خریدار حواله کند تا ثالثی، ثمن را به فروشنده بدهد. با اینکه مطابق دیدگاه عده‌ای از فقها هرگاه بعداً بیع به دلیلی، فسخ یا اقاله شود، حواله نیز به دلیل از بین رفتن موضوع آن منفسخ می‌گردد (ابن قدامه، بی‌تا، ۶۴؛ رملی، بی‌تا، ۴۳۰؛ جزیری، بی‌تا، ۲۱۱). به عقیده برخی فقها هرگاه دین منشأ حواله به واسطه یکی از اختیارات قانونی فسخ گردد این امر بر حواله مؤثر واقع نمی‌شود زیرا حواله، زمانی منعقد شده است که ذمه خریدار، نسبت به ثمن به بایع مشغول بوده است (مدنی، ۱۳۶۹، ۲۴۳). برای صحت حواله، کافی است که رابطه‌اولیه در زمان انعقاد آن درست باشد تا انتقال دین به ذمه محال

علیه محقق شود و اثر فسخ، نسبت به آینده بوده و فسخ رابطه‌اولیه بعد از انعقاد حواله، موجب انفساخ آن نمی‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸، ۹۵۸؛ امامی، ۱۳۷۲، ۲۲۹).

به لحاظ فقهی هرگاه دارنده از بطلان رابطه‌اولیه، مطلع نباشد، موضوع، مطلقاً مشمول قاعده‌غرور بوده و او می‌تواند برای جبران خسارت به مسئول سند، مراجعه نماید. از دیدگاه دکترین حقوقی نیز چنانکه شخصی بدون اینکه مطلع باشد، نسبت به مال یا حق دیگری، سلطه پیدا کند تا حدود معینی، مورد حمایت قانون‌گذار قرار می‌گیرد بدون اینکه اطلاع انتقال‌دهنده در این خصوص، منشأ اثر باشد. این حالت که «حسن نیت» نام دارد، با الهام از اخلاق و از طریق دکترین، وارد ادبیات حقوقی ایران شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۲۰۷؛ کاویانی، ۱۳۸۳، ۱۳۹). حسن نیت، وضع حقوقی کسی است که به تصور اینکه کار او، قانونی است، از روی اشتباه، اقدام به عمل حقوقی می‌نماید، این در حالی است که عمل او در واقع، مطابق قانون، نیست مانند صاحب یدی که تصور می‌نماید که از مالک واقعی، مالی را خریداری کرده است، اما در واقع با غاصب، معامله نموده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ۲۱۵). برخی نیز حسن نیت را به رفتار معقول و متعارف تعریف نمودند (صفایی، عادل، کاظمی و میرزائزاد، ۱۳۸۴، ۴۵). ماده ۷-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، طرفین قرارداد را ملزم به اقدام از روی حسن نیت نموده و ماده ۱۷ مقررات متحدالشکل ژنو نیز بیانگر همین معنی است: «... مسئولان سند نمی‌توانند به ایرادات

گرفته است، حق دارد برای دریافت مبلغ مندرج در سند به آنها مراجعه نماید (سکوتی نسیمی، ۱۳۹۷، ۱۱۹) ولو اینکه متعهد سند در مقابل انتقال دهنده، دلایل موجهی برای عدم پرداخت داشته باشد. از این رو، باید به اعتماد او، احترام گذاشته شود و حق مطالبه مبلغ مندرج در سند از کسی که این ظهور را ایجاد نموده است، به رسمیت، شناخته شود و رابطه حقوقی میان او و متعهد از رابطه میان ناقل سند و متعهد آن تفکیک شود. علاوه بر این دارنده سند براتی نه تنها به حکم شارع مقدس، اختیار داشت تا به ظهوری که از معامله متعهد با ایادی قبلی ایجاد شده بود، اعتماد نماید بلکه اعتماد نمودن بر چنین گفتار و رفتاری بر وی امر گردیده است.^۱ بنابراین، اعتماد به ظهور و امثال امر شارع در این مورد، استحقاق حمایت دارد و باید میان رابطه حقوقی او و متعهدین سند و رابطه میان ناقل سند و متعهدین آن تفکیک صورت گیرد. برخی نهادهای فقهی که بر مبنای اعتبار و لزوم اعتماد به ظاهر بنا شده و بر تفکیک‌پذیری برخی روابط از روابط اولیه تأکید دارد به شرح زیر بررسی می‌شود:

۵-۱-۱-۲. اماره تصرف

تصرف - که در اصطلاح فقهی «ید» نامیده می‌شود - به مفهوم استیلاء و سلطه خارجی بر چیزی است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ۲۸۳). علاوه بر ایجاد مالکیت در مواردی مانند حیات مباحات و احیای اراضی موات از سوی شارع به عنوان اماره مالکیت متصرف بر مال نیز معرفی شده

ناشی از روابط شخصی خود با ظهورنویس در برابر دارنده استناد نمایند مگر اینکه دارنده به هنگام دریافت برات، آگاهانه به زیان مدیون عمل کرده باشد...». به نظر می‌رسد که از مجموع مطالب مذکور می‌توان تعریف حسن نیت به صداقت در نیت و عمل، فقدان اراده تقلب و ایجاد ضرر برای طرف معامله و داشتن اعتقاد صادقانه به موضوعی، نادرست را استنباط نمود.

۵-۱-۱-۱. نظریه ظاهر

از آنجایی که کشف مالک واقعی یا حقیقت امور برای اکثر اشخاص ممکن نیست، شارع، امر به چنین تکلیفی ننموده است و اکثر معاملات و روابط حقوقی در جامعه نیز بر اساس اعتماد به وضع ظاهر و عمل به امارات و بدون امکان شناخت مالک واقعی یا حقیقت امور انجام می‌پذیرد (کریمی و علاء، ۱۳۹۶، ۹). مستند این دیدگاه در فقه، نهادهای متعددی است که حکایت از جواز عمل به ظاهر دارد و مفاد آن، عبارت است از اینکه اصل در تصرفات، صحت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. دارنده سند تجاری نیز به این اعتبار، آن را از ظهورنویس دریافت کرد که تصور می‌نمود، امضای متعهد سند و ظهورنویسان قبلی، صحیح بوده و مبلغ مندرج در آن، متعلق به ید قبلی است. از این رو، دارنده سند تجاری که به واسطه اعتماد به ظهوری که از طریق امضای آن از سوی صادرکننده، قبول کننده، ظهورنویس و ضامن حسب مورد، ایجاد شده است، آن را از ظهورنویس قبل از خود انتقال

^۱ ضع امر اخیک علی احسنه.....

واقع را نمی‌نمایاند - اماره مالکیت معرفی گردیده است^۳ (محقق داماد، ۱۳۸۶، ۳۱). دیدگاه مشهور علمای اصول، آن است که اماره به عنوان جانشین قطع، مورد استفاده قرار گرفته و عقلاء نیز در موارد فقدان قطع، امارات را به جای آن به کار می‌برند (مرتضی و حاج حسینی، ۱۳۹۹، ۱۹۰).

با اینکه ماده ۳۶ قانون مدنی در صورت اثبات اینکه تصرف، ناشی از سبب قانونی نبوده است، حمایت خود از اعتمادکننده به ظاهر را برداشته است (کریمی و علاء، ۱۳۹۶، ۱۲) در ماده ۳۵ قانون مذکور، تصرف به عنوان مالکیت را دلیل مالکیت، معرفی کرده است. از جمع دو ماده مذکور، استنباط می‌گردد که مفاد اماره تصرف، فراتر از بیان یک اصل بوده بلکه قاعده‌ای است که صرفاً در صورت وجود دلیل معارض می‌توان از آن چشم‌پوشی نمود (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ۲۱۲). این وضعیت به خاطر آن است که نمی‌توان از افراد، انتظار داشت که در هنگام انعقاد اعمال حقوقی، مالک واقعی را بشناسند. از این رو، هرگاه شخصی پس از بررسی‌های زیاد و به استناد یک ظاهر قابل اعتماد، اقدام به انعقاد عمل حقوقی با دیگری کند، از آنجایی که شارع از اعتمادکننده به ظهور، حمایت می‌نماید، نمی‌توان با کشف خلاف آن، ظهور،

است. در اماره تصرف، فرض بر این است که سببی برای مالکیت وجود داشته است هرچند، تصرف، به تنهایی نمی‌تواند نوع و مشخصات آن را احراز نماید. به عنوان مثال، کسی که کلید خانه‌ای را در تصرف داشته باشد، شارع، او را مالک آن، خانه می‌شناسد اگرچه این تصرف نمی‌تواند ثابت کند که مالکیت آن، خانه به چه طریق، حاصل شده است (محمدی، ۱۳۸۳، ۱۸۲). برای اثبات حجیت اماره تصرف، علاوه بر سیره مسلمین، بنای عقلا و اجماع (محقق داماد، ۱۳۸۶، ۳۰)، به روایات متعددی استناد شده است: از جمله روایت حفص بن غیاث که در آن، امام صادق (ع) در برابر این سؤال که: «اگر در دست کسی چیزی دیدم جایز است شهادت دهم آن چیز مال اوست»؟ ضمن پاسخ مثبت، فرمود: «... اگر این امر جایز نباشد برای مسلمانان، بازاری برپا نمی‌ماند» (حرعاملی، ۱۴۲۷، ۲۱۵). همچنین روایت یونس بن یعقوب از امام صادق (ع) که در پاسخ به سؤالی در مورد تقسیم اثاث خانه در صورت فوت یکی از زوجین فرمود: «آنچه ویژه زنان است، متعلق به زوجه و آنچه مورد استعمال مردان و زنان باشد، مشترک میان آنهاست. هرکس بر چیزی تسلط و استیلاء دارد، آن چیز متعلق به اوست» (حرعاملی، ۱۴۲۷، ۵۲۵). بنابراین، تصرف - که صرفاً مبتنی بر غلبه و ظهور بوده و به طور قطع،

^۱ لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق

^۲ ... من استولی علی شیء فهو له

^۳ علاوه بر این، در روایت عثمان بن عیسی و حماد بن عثمان از امام صادق (ع) آمده است که پس از رحلت رسول خدا (ص)، خلیفه اول به استناد این قول منسوب به پیامبر که: «ما پیامبران از خود، میراثی به جا نمی‌گذاریم» فدک را از دست فاطمه زهرا (س) گرفت، علی (ع) فرمود: «آیا در مورد ما برخلاف حکم خدا حکم میکنی؟» خلیفه اول گفت: «به همان نحو که خدا گفته است میان

شما قضاوت می‌کنم». علی (ع) فرمود: «اگر در دست یکی از مسلمانان چیزی باشد و او خود را مالک آن بداند و من ادعا کنم که مال من است از چه کسی بینه می‌خواهی؟» خلیفه اول گفت: «بی تردید از تو بینه می‌خواهم». امام علی (ع) فرمود: «یعنی اگر در دست من چیزی باشد و مسلمانان ادعا کنند از من بینه می‌خواهی؟» (حرعاملی، ۱۴۲۷، ۲۱۵). نتیجه کلام امام علی (ص) آن است که بینه را از کسی باید طلب نمود که نسبت به مالی که در اختیار دیگری است، ادعایی دارد نه از کسی که مال در اختیار اوست

شک و تردید ایجاد شود، به حکم اماره صحت، آن، عقد یا ایقاع، حمل بر صحت می‌شود. در غیر این صورت، لازم می‌آید در مورد مقدمات و نحوه تحقق آن، عقد یا ایقاع، تحقیق صورت گیرد که تکلیفی شاق و مشکل، محسوب می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۶، ۳۱). مطابق دیدگاهی که به برخی فقهای اهل سنت، نسبت داده شده است، هرگاه راهن پس از إذن مرتهن در مال مرهونه تصرف کرده و آن را بفروشد و مرتهن نیز ادعا کند که پیش از وقوع بیع از إذن، رجوع کرده بود، قول راهن همراه با سوگند پذیرفته می‌شود (کرکی، ۱۴۲۹، ۱۶۲). بنابراین با اینکه در عالم واقع، راهن به دلیل رجوع مرتهن از إذن، در تصرف خود، مأذون نبوده، عمل او به حکم حجیت ظاهر، حمل بر صحت شده و بیع، معتبر، شناخته می‌شود. قاعده منع گفتار یا رفتار معارض - که استاپل تام دارد و در حقوق انگلیس از قواعد انصافی، محسوب می‌شود - تا حدود زیادی با مفهوم اخیر قابل انطباق می‌باشد. قاعده مذکور نه تنها مانع بازگشت شخص از گفتار یا رفتار خود می‌شود بلکه گفتار یا رفتار او را به عنوان دلیلی، علیه شخص به کار می‌گیرد و او را از نقض گفتار یا رفتار خود، باز می‌دارد (فاروقی، ۱۹۸۸، ۲۷۷). در بسیاری از آیات قرآن نیز مردم به التزام به پیمان و پرهیز از شکستن آن، ترغیب شده‌اند.^۴ حتی برخی نویسندگان حقوق انگلیس، ابداع آن را به زفر بن ال‌هذیل العنبری التیمی، فقیه حنفی، نسبت

حمایت را از چنین شخصی دریغ نمود (کریمی و علاء، ۱۳۹۶، ۹).

۵-۱-۱-۳. اماره صحت

اصالت صحت در همه زمان‌ها و در تمام ملل و ادیان، مورد عمل بوده و مورد امضای شارع نیز واقع گردیده و اهمیت آن به حدی است که انکار آن، موجب اخلال در نظام اجتماعی، تعبیر شده است (انصاری، ۱۴۲۴، ۷۲۰) و از آنجایی که این اماره علاوه بر معاملات در عبادات نیز به کار می‌رود، قلمرو آن، نسبت به اماره ید گسترده‌تر بوده و در مقایسه با آن، مهم‌تر می‌نماید (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ۲۸۸؛ حسینی مراغی، ۱۴۲۵، ۳۲).

اصاله الصحه در دو مفهوم تکلیفی و وضعی، کاربرد بیشتری دارد: صحت در مفهوم تکلیفی به این معنی است که به عنوان یک اصل کلی باید اعمال دیگران را تا زمانی که دلیلی بر نادرستی آن، پیدا نشود، حمل بر صحت نمود. در تأیید این دیدگاه به آیه شریفه «و قولوا للناس حسنا» استناد شده و بر اساس روایتی از امام صادق (ع) مبنی بر اینکه «درباره مردم جز به خوبی، سخن مگویید تا اینکه حقیقت امر بر شما آشکار شود»، آیه شریفه فوق به صحت به مفهوم تکلیفی، تفسیر شده است (انصاری، ۱۴۲۴، ۳۴۷). صحت در مفهوم وضعی که در مقابل فساد قرار می‌گیرد. چنان که هرگاه کسی عقد یا ایقاعی انجام دهد و در صحت آن،

^۴ از جمله «والذین هم لأماناتهم و عهدهم راعون» «الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه... أولئک هم الخاسرون (سوره بقره، آیه ۲۷) و «ولا تكونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوة أنكاثا» (سوره نحل، آیه ۹۲)

^۱ سوره بقره، آیه ۸۳

^۲ عن ابی عبد الله (ع) فی قول الله عزّ و جلّ: «و قولوا للناس حسنا»، قال: قولوا للناس حسنا ولا تقولوا الا خیرا حتی تعلموا ما هو

^۳ Estoppel

نخست آنکه عزل همانند استعفاء، به لحاظ ماهیت، نوعی، فسخ، محسوب می‌شود^۳ (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸، ۱۱؛ حلبی، ۱۴۱۸، ۲۶۹) و از آنجایی که فسخ عقد وکالت، خصوصیتی، نسبت به فسخ در سایر عقود ندارد، اعلام اراده موکل بر عزل به تنهایی برای پایان دادن به رابطه وکالت، کافی بوده و اقدام دیگری از قبیل اعلام آن به وکیل یا ا شاهد، لازم نمی‌باشد (طوسی، ۱۴۱۵، ۳۴۲). اقتضای جواز عقد وکالت نیز آن است که اراده موکل بر فسخ آن به تنهایی، مؤثر واقع شود. در غیر این صورت، ماهیت عقد مذکور به لازم تبدیل می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۸، ۱۱).

در مقابل گروه دیگری از فقها - که در این مورد، بعضاً صراحتاً تحت تأثیر اصالة الظهور قرار دارند (اردبیلی، ۱۴۲۷، ۵۵۰) - استدلال نمودند که وکیل بی‌اطلاع از عزل خود، حق دارد، بقای وکالت را استصحاب نماید و در صورت انجام موضوع وکالت، عمل حقوقی او در حق موکل، نافذ محسوب شود. بنابراین اگرچه در سایر عقود، فسخ به صرف اراده یک طرف و بدون نیاز به اطلاع به طرف دیگر، مؤثر واقع می‌شود، وجود روایات متواتر از جمله روایت جابر ابن یزید و معاویه بن وهب از امام صادق (ع) مبنی بر اینکه: «هرکس دیگری را برای انجام کاری وکیل نماید تا زمانی که خروج از وکالت را همانند ورود در آن به وکیل اعلام نکند، وکالت، ثابت است» (ابن بابویه، ۱۴۲۶، ۸۳) و قسمتی از روایت

داده‌اند^۱ (کریفورد، ۱۹۷۳، ۶۱۸). مفاد این قاعده در بسیاری از موادّ مجله الاحکام العدلیه، از جمله ماده ۱۰۰ آن، منعکس شده و تلاش اشخاص در جهت نقض قرارداد، مردود، اعلام گردیده است.^۲ همین معنی از موادّ ۲۳۰ و ۲۳۱ قانون تجارت مبنی بر اینکه: «قبول‌کننده برات، ملزم است، وجه آن را سر وعده تأدیه نماید. قبول‌کننده حق نکول ندارد»، قابل استنباط است.

۵-۱-۱-۴. وکالت ظاهری

اعمالی که وکیل به نیابت از موکل انجام می‌دهد در صورتی، نفوذ حقوقی دارد که رابطه وکالت میان وکیل و موکل موجود باشد. از آنجایی که وکالت از عقود جایز محسوب می‌شود یکی از طرقی که رابطه مذکور را متزلزل می‌سازد، اراده موکل بر عزل وکیل است. در میان فقها در مورد تأثیر اراده موکل بر عزل وکیل در پایان دادن به رابطه وکالت، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است:

گروهی، عقیده دارند که به مجرد اعلام اراده موکل بر عزل بدون نیاز به اطلاع دادن به وکیل، عزل مؤثر واقع می‌شود و وکیل، صلاحیت اجرای مفاد وکالت را از دست می‌دهد. برای توجیه چنین دیدگاهی به چند دلیل استناد شده است که هر یک از سوی قائلین به اصالة الظهور، مردود اعلام شده است:

^۱ This rule is from an old jurist so called sofer Hydel

^۲ سعی فی نقض ما تم من جهته فسخیه مردود علیه

^۳ فاذا فسخ الوکیل و عزل نفسه... و إذا فسخها... یعنی هرگاه وکیل، عقد را فسخ و خود را عزل کند... و هرگاه موکل، وکالت را فسخ نماید...

^۴ عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال: من وکل رجلاً علی إمضاء أمر من الأمور فالوکاله ثابتة أبداً حتی یعلمه بالخروج منها کما أعلمه بالدخول فیها

وکالت، فاقد تکلیف، محسوب می‌گردد (اردبیلی، ۱۴۲۷، ۵۳۰) حق دارد، بقای رابطه وکالت میان خود و موکل را استصحاب نماید. از این رو، تصرفات حقوقی او در مورد موکل، نافذ است (حلی، ۱۴۱۸، ۲۵۱).

البته در این مورد دیدگاه سومی وجود دارد و آن اینکه موکل در ابتدا باید عزل را به وکیل خود اطلاع دهد، اما در صورتی که امکان اطلاع دادن به وکیل برای وی فراهم نباشد، شاهد گرفتن بر عزل به عنوان بدل آن بر عهده موکل قرار می‌گیرد» (حلبی، ۱۴۱۸، ۲۶۹). به نظر عده‌ای، وکیل در صورتی از وکالت، عزل می‌شود که این امر به صورت شفاهی یا از طریق خبر موثقی به وی اعلام شود و گروهی نیز در صورت عدم امکان اعلام، اشهاد را کافی دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۵، ۳۴۲).

با وجود اینکه بند ۱ ماده ۶۷۸ و قسمت اول ماده ۶۷۹ قانون مدنی، عزل وکیل از سوی موکل را به تنهایی، موجب ارتفاع وکالت معرفی نموده است، دقت در عبارات ماده ۶۸۰ قانون مذکور در کنار مواد قبلی، نشان می‌دهد که مطابق قانون مدنی، عقد وکالت با عزل وکیل از سوی موکل به تنهایی و بدون نیاز به اعلام به وکیل یا اشهاد، پایان می‌پذیرد و از این جهت، فسخ در عقد وکالت، مشابه فسخ در سایر عقود است اما از آنجایی که وکیل بی‌اطلاع از عزل خود و شخص ثالث ممکن

ابن ابی عمیر از هشام بن سالم، امام صادق (ع) فرمود: «... وکیل وقتی که برای انجام امری، وکیل شد و از مجلس عقد برخاست، کار او لازم‌الاجرا بوده و وکالت، ثابت است تا اینکه موکل خبر عزل از وکالت را از طریق شخص موثق، ابلاغ نماید یا اینکه به صورت شفاهی عزل از وکالت را به او اطلاع دهد» (طوسی، ۱۴۲۵، ۸۴۳)، مانع از تأثیر اراده موکل بر فسخ به تنهایی می‌گردد (طوسی، ۱۴۱۵، ۳۴۲). دوم آنکه عدم پذیرش تأثیر اراده موکل بر فسخ آن به تنهایی و الزام او به اعلام آن به وکیل یا اشهاد، با توجه به اینکه ممکن است مصلحت موکل در عزل وکیل باشد، موجب ورود ضرر به او می‌شود (اردبیلی، ۱۴۲۷، ۵۳۰). در پاسخ گفته شده است که عدم لزوم اعلام عزل، ممکن است، موجبات ضرر وکیل را فراهم آورد به این صورت که وکالت به اراده موکل به تنهایی، پایان یافته و وکیل بی‌اطلاع از عزل خود، اقدام به انجام معامله با شخص ثالث بنماید و در صورت، رد معامله از سوی موکل، ممکن است ثالث برای ثمن و خسارات به وکیل رجوع کند. این در حالی است که موکل از اقدامات وکیل سود برده و از این جهت برای تحمّل ضرر، استحقاق بیشتری دارد (ایزانلو و میرشکاری، ۱۳۸۸، ۶۰). علاوه بر این از آنجایی که وکیل بی‌اطلاع از عزل به حکم شارع، معذور بوده (حلی، ۱۳۸۷، ۳۵۳) و عقلاً نیز در هنگام انجام موضوع

قد عزل عن الوکاله فالأمر علی ما أمضاه؟! قال: «نعم» قلت له: فإن بلغه العزل قبل أن یمضی الأمر ثم ذهب حتی أمضاه لم یکن ذلك بشیء؟! قال: «نعم، إن الوکیل إذا وکل ثم قام عن المجلس فأمره ماض أبداً والوکاله ثابتة حتی یبلغه العزل عن الوکاله بثقه یبلغه أو یشافهه بالعزل عن الوکاله

^۱ صحیح هاشم بن سالم عن ابی عبد الله (علیه السلام) فی رجل وکل آخر علی وکاله فی أمر من الأمور وأشهد له بذلک شاهدین، فقام الوکیل فخرج لإمضاء الأمر فقال: أشهدوا آتی قد عزلت فلاناً عن الوکاله، فقال: إن کان الوکیل أمضی الأمر الذی وکل فیهِ قبل العزل فإن الأمر واقع ماض علی ما أمضاه الوکیل. کره الموکل أم رضی. قلت: فإنّ الوکیل أمضی الأمر قبل أن یعلّم العزل أو یبلغه آت

۵-۲. مصادیق تفکیک رابطه‌سندی از رابطه‌

اولیه

در حقوق اسناد تجاری برات‌سازشی، برات رجوعی و چک لازم‌الاجراء را می‌توان مصادیق تفکیک رابطه‌سندی از روابط پایه معرفی نمود:

۵-۲-۱. برات‌سازشی

به عنوان اصل کلی، برات اگرچه متکی بر معامله واقعی میان فروشنده و خریدار بوده و ظهور در بدهی صادرکننده و طلب دارنده آن دارد و اعتبار، ارزش و قابلیت نقل و انتقال خود را از این واقعیت و محل خود به دست می‌آورد (اخلاقی، ۱۳۷۱، ۱۷۱) با این حال، صدور آن، همیشه حاکی از وقوع معامله تجاری واقعی نیست بلکه برات ممکن است فاقد محل بوده و صرفاً جهت دادن اعتبار از طرف براتگیر، مورد قبول قرار گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۳۶۳) که در این صورت، «برات‌سازشی» نامیده می‌شود و براتگیر بدون اینکه به صادرکننده، بدهکار بوده و قصد پرداخت وجه آن را داشته باشد، رضایت می‌دهد که براتی بر روی او کشیده شود تا صادرکننده برات - که علی‌القاعده وضع مالی مناسبی ندارد- از این طریق بتواند اعتباری، تحصیل نموده و با تنزیل آن، وجوهی را برای ادامه کار به دست آورد. صادرکننده چنین براتی، تعهد می‌کند که شخصاً وجه آن را در سررسید پرداخت کرده و آن را از جریان خارج نماید (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ۴۲).

است با اتکا به ظهوری که از طریق انعقاد وکالت ایجاد گردید، اقدام به انعقاد اعمال حقوقی نمایند که در صورت انقضای غافلگیرانه وکالت پیش از وقوع آن، غیرنافذ بوده و در صورت رد موکل، باطل خواهد شد و در این صورت، ثالث - که به اعتماد ظهور حاصل از عقد وکالت، وارد معامله با وکیل گردید- حق خواهد داشت برای مطالبه ثمن و خسارات به او مراجعه نماید، قانون‌گذار، ضمن قبول عزل وکیل به اراده موکل به تنهایی، اقدامات وکیل را درباره موکل، مؤثر، تلقی نموده است. این دیدگاه - که از مفهوم وکالت ثابت در فقه- که بر حفظ منافع وکیل در صورت عزل بدون اطلاع او از سوی موکل توجه دارد، فراتر رفته و منافع شخص ثالث را نیز مورد توجه قرار داده است «وکالت ظاهری» نام دارد. دلیل چنین رویکردی، آن است که برخلاف اکثر عقود که رابطه‌ای دو جانبه بوده و فقط طرفین را درگیر می‌نماید، وکالت، ممکن است شامل رابطه‌ای، سه‌جانبه و حتی گاهی چهارجانبه باشد به طوری که آثار آن، علاوه بر دو طرف اصلی، دامن‌گیر اشخاص دیگری شود. برخلاف وکالت واقعی و وکالت ثابت که بر تظاهر موکل در برابر وکیل، نسبت به اعلام رضایت به پایبندی به قرارداد منعقد شده از سوی وکیل، مبتنی است، وکالت ظاهری بر تظاهر با واسطه یا بی‌واسطه موکل در برابر ثالث، نسبت به اعلام رضایت به التزام به قرارداد منعقد شده از سوی وکیل، بنا شده است.

خود، بابت ثمن، حواله داده است و هرگاه معلوم شود چنین طلبی وجود نداشته است گویی مالی را که محیل به محال انتقال داده وجود خارجی نداشته است (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۴۳۱) به نظر می‌رسد که ماده ۷۶۵ قانون مدنی در تأیید این دیدگاه قابل استناد باشد: «صلح مبتنی بر معامله باطل، باطل است». با این حال، مطابق دیدگاه عده‌ای از فقها - که حواله بر غیربدهکار را صحیح می‌دانند - در صورت بطلان رابطه منشأ طلب، حواله را درست می‌شمارند (نایینی، ۱۳۸۶، ۳۴۱) به نظر می‌رسد که قسمت نخست ماده ۷۳۳ از این فرض انصراف دارد. با این حال، موضع حقوق تجارت ایران در مورد برات سازشی، صراحتاً بیان نشده است. بند ۳ ماده ۵۴۱ قانون تجارت، تجاری را که به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود، وسایلی، دور از صرفه مانند صدور برات را برای تحصیل وجه به کار برده باشد، ورشکسته به تقصیر شناخته است. به نظر برخی از حقوقدانان، این ماده در مورد صدور برات سازشی است (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ۴۳). اگر چه برخی نویسندگان، برات سازشی را باطل می‌دانند (اسکینی، ۱۳۹۲، ۵۰) بیشتر حقوقدانان، آن را حداقل در مورد دارنده‌ای که آن را بدون سوءنیت تحصیل کرده باشد، معتبر می‌شمارند (اخلاقی، ۱۳۷۱، ۱۷۲).

۵-۲-۲. برات رجوعی

دارنده براتی که وجه آن در سررسید، پرداخت نشده است هرگاه طبق مقررات قانونی، واخواست نموده باشد، علاوه بر این که می‌تواند از حقی که

حقوقدانان فرانسوی درباره اعتبار برات سازشی اختلاف نظر دارند. در حالی که برخی به دلیل وجود علت نامشروع، آن را باطل اعلام کردند (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ۴۲؛ اخلاقی، ۱۳۷۱، ۱۷۱) اما عده‌ای دیگر آن را همانند برات عادی، نسبت به دارنده با حسن نیت، معتبر شمردند (اسکینی، ۱۳۹۲، ۵۱). در حقوق انگلیس - که بر اساس دعوی *Rahn v. Hughes, 1778*، وجود عوض یکی از اصول حقوق قراردادهای می‌باشد - نیز برات سازشی، کاملاً مورد قبول است. با این حال بندهای ۱ و ۲ ماده ۳۸ قانون بروات آن کشور، مصوب ۱۸۸۲ ضمن به رسمیت شناختن برات سازشی، صادرکننده، قبول کننده یا ظهنویسی را که بدون دریافت عوض آن را امضاء کرده، مسئول پرداخت وجه آن در برابر هر دارنده‌ای می‌داند که برات را در مقابل دادن عوض دریافت کرده است خواه از سازشی بودن عملیات صدور، قبولی یا ظهنویسی، مطلع بوده یا نبوده باشد (دوبسون، ۱۹۹۹، ۱۷). با این حال در روابط نزدیک و بلا فصل میان اطراف آن برای صادرکننده، قبول کننده یا ظهنویس سازشی، تعهدی ایجاد نمی‌نماید (گلشن و کوپر، ۲۰۰۱).

اگرچه به نظر برخی نویسندگان حقوق مدنی هرگاه بطلان رابطه منشأ دین موضوع حواله نشان دهد که محیل طلبی از محال علیه نداشته اما به تصور باطل وجود طلب، محال را به او حواله داده است از آنجایی که بطلان رابطه منشأ طلب، نشان می‌دهد که حواله بر غیربدهکار صادر شده است، حواله را باطل شمردند، زیرا محیل بر مبنای طلب

چک در اجرای ثبت به معنی لزوم دریافت وجه آن بدون ورود در ماهیت و رابطه‌اولیه و بدون نیاز به رسیدگی قضایی می‌باشد (کریمی، ۱۳۹۱، ۱۶۰). زیرا رسیدگی به ماهیت دعوی در صلاحیت قاضی دادگستری است و نه مأمور اجرای ثبت. حتی شورای عالی ثبت در نظریه مورخ ۴۶/۱۲/۸ درخواست توقف عملیات اجرایی ثبت را در مورد اجرائیه‌ای که به نفع دارنده، صادر شده است به استناد محکومیت ظهرنویس در دعوی مطالبه وجه چک توسط صادرکننده بعد از صدور گواهینامه عدم پرداخت از طرف بانک، رد نموده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۳۱۴). از اینکه اجرای ثبت بدون ورود در ماهیت روابط اولیه و موجد حق، مبلغ چک را از صادرکننده می‌گیرد، معلوم می‌شود که رابطه‌ای که با چک میان اطراف آن ایجاد شده است، باید از رابطه‌اولیه، تفکیک شود است. این امر نشان می‌دهد که حتی قضات نیز نباید در مورد چک، وارد روابط اولیه و موجد حق شوند.

۶. نتیجه‌گیری

هرچند مطابق قواعد کلی فقهی، وجود سبب، یکی از ارکان هر عمل حقوقی، محسوب شده و انتقال دین، به طور مطلق، متأثر از رابطه‌پایه، تلقی می‌شود. این تلقی از لزوم وجود رابطه‌حقوقی معتبر، قبل از وقوع عملیات روی اسناد تجاری نیز مصداق دارد و بدهکار می‌تواند در مقابل بستانکار به انواع ایرادات از قبیل بطلان، اقاله، فسخ یا عدم وجود رابطه‌مذکور، متوسل شود، با این حال از آنجایی که اعمال دیدگاه مذکور به طور مطلق،

ماده ۲۴۹ قانون تجارت در اختیار او گذاشته است، استفاده نموده و علیه متعهدین برات (صادرکننده، قبول‌کننده، ظهرنویس و ضامن، حسب مورد) در مراجع صالح قضایی - که برای رسیدگی به ماهیت دعوی مشخص شده است - اقامه دعوی نماید، در بسیاری از موارد، مطابق مواد ۲۹۸ و ۲۹۹ قانون تجارت می‌تواند خود قاضی کار خود شده و براتی با مبلغ بیشتر از بابت مخارج انجام شده - که هیچ کدام به یک رابطه‌معاملاتی مربوط نمی‌شود - بر عهده صادرکننده یا یکی از ظهرنویسان، صادر و با تنزیل آن نزد بانک خود، وجه آن را دریافت نماید. از مواد مذکور و همچنین ماده ۳۰۰ قانون فوق این نتیجه به دست می‌آید که مبلغ برات رجوعی، عبارت است از مبلغ برات اعتراض شده با اضافه و سایر مخارج مانند اعتراض‌نامه، حق‌العمل صراف، دلال، هزینه تمبر، مخارج پستی، مبلغ تفاوت نرخ حسب مورد. چنانچه ملاحظه می‌گردد، برات رجوعی به هیچ وجه متکی به یک رابطه اصلی معاملاتی نیست و حتی قبول برات - که یکی از ارکان شکل‌گیری و کمال آن است - در آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۵-۲-۳. چک لازم‌الاجراء

یکی از مزایای چک، نسبت به سایر اسناد مدنی حتی برات و سفته به موجب ماده ۲ قانون صدور چک، امکان مطالبه وجه آن از طریق اجرای ثبت می‌باشد. چک از اسناد لازم‌الاجراء می‌باشد و این در صورتی است که تعهد مندرج در سند، منجز و مسلم باشد. صدور دستور اجرای مبلغ مندرج در

نقش مؤثری داشتند- مراجعه نماید. هرچند به جهت بومی نبودن قواعد و نظریه‌های منشأ اقتباس و شاید کهنگی آنها در زمان تصویب و... قانون‌گذار بدون وجود درک صحیحی از حقوق براتی با اینکه به دنبال وضع چنین مقرراتی بوده متأسفانه در مواردی به طور ناخودآگاه در لابلای مواد قانونی، عبارات و مفاهیمی را به کار می‌برد که نشان می‌دهد موضوع را خلط نموده و رابطه‌سندی را تحت تأثیر روابط اولیه قرار داده و نهایتاً آن را تضعیف نموده است، با این حال از مجموع مقررات کم فروغ موجود ناظر به برات، سفته و چک در حقوق ایران می‌توان رگه‌هایی از تفکیک رابطه‌سندی از رابطه‌اولیه را مشاهده نمود. حقوق اسناد تجاری کشور ما به دلیل کهنگی قوانین مربوط و وجود ضعف‌های ذاتی با حقوق اسناد تجاری نوین، فاصله زیادی دارد. برای جبران نقص‌های موجود تا قبل از انجام اصلاحات قانونی می‌توان با استعانت از قوانین موجود به همراه دکترین حقوقی و رویه قضایی و دیدگاه‌های فقهی بر خلأ قانون‌گذاری، غلبه نمود.

۷. تقدیر و تشکر

از افرادی که به اشکال مختلف در نگارش مقاله حاضر تلاش کرده‌اند، تشکر می‌نمایم.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر و مشترک مقاله را به رشته تحریر درآورده‌اند.

موجب تضعیف جریان صحیح سند تجاری و موقعیت دارنده‌ای می‌شود که با مسئول پرداخت وجه سند، رابطه‌سنتیمی ندارد و آن را بدون اطلاع از عیوب و ایرادات موجود، بدست آورده است، برای رفع این نقص و تضمین گردش سند، مقررات راجع به اسناد تجاری در موردی که دارنده، مبلغ مندرج در سند را از کسی مطالبه کند که آن را با واسطه از وی دریافت نموده است، به استناد اصل تفکیک رابطه‌سندی از روابط پایه، عدول از قاعده کلی مذکور پذیرفته شده است. اگرچه ورود در سند علی‌الاصول، مسبوق به وجود حداقل یک رابطه‌پایه اعم از واقعه یا عمل حقوقی است با این حال، واقعیت این است که صدور سند هیچ ملازمه‌ای با وجود رابطه‌قبلی ندارد چنانکه قبولی و ضمانت نیز بدون وجود رابطه‌اصلی، قابل تصور است. با وجود اینکه چنین دیدگاهی، ظاهراً با عموماًت فقهی از قبیل لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل، آشکارا در تعارض قرار دارد، بررسی برخی نهادهای فقهی از قبیل اماره تصرف، وکالت ظاهری، اصله الصحه و... سازگاری آن با فقه را اثبات می‌نماید و از آنجایی اکثر معاملات بر اساس اعتماد به وضع ظاهر و بدون امکان شناخت مالک واقعی انجام می‌پذیرد، دارنده سند تجاری نیز با اعتماد به ظهوری که از طریق امضای آن از سوی صادرکننده، قبول‌کننده، ظهرنویس و ضامن، حسب مورد، ایجاد شده است، آن را از ظهرنویس قبل از خود، انتقال می‌گیرد، حق دارد بدون توجه به بطلان یا عدم وجود رابطه‌اولیه، برای مطالبه مبلغ مندرج در سند به امضاکنندگان آن - که در ایجاد چنین ظهوری،

۹. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافی وجود ندارد.



منابع

- ابن بابویه القمی، ابوجعفر علی. من لایحضره الفقیه، جلد دوم، چاپ چهارم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۶.
- ابن قدامه شمس‌الدین ابی‌الفرج عبد‌الرحمان بن ابی‌عمر. الشرح‌الکبیر، جلد چهارم، بی‌چاپ، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- اخلاقی، بهروز. جزوه درسی حقوق تجارت ۳، بی‌چاپ، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- اردبیلی، احمد. مجمع‌الفایده والبرهان فی شرح ارشاد‌الاذهان، جلد نهم، چاپ سوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۷.
- اسکینی، ربیعاً، حقوق تجارت تطبیقی، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۹۲.
- امامی، سیدحسن. حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۲.
- انصاری، مرتضی. فراید‌الاصول، قم، مجمع‌الفکر الاسلامی، ۱۴۲۴.
- ایزانلو، محسن، میرشکاری، عباس. «عزل وکیل»، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره سی-ام، ۱۳۸۸.
- جزیری، عبدالرحمان. کتاب‌الفقه‌علی‌المذاهب الاربعه (قسم‌المعاملات)، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج‌دانش، ۱۳۷۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. حقوق تعهدات، چاپ سوم، تهران، گنج‌دانش، ۱۳۷۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. آراء شورای عالی ثبت و شرح آن، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج‌دانش، ۱۳۹۰.
- حرعاملی، محمدبن‌الحسن. وسایل‌الشیعه‌الی‌تحصیل‌مسائل‌الشریعه، جلد هیجدهم، چاپ اول، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی‌للمطبوعات، ۱۴۲۷.
- حسینی مراغی، سیدمیر عبدالفتاح. العناوین، جلد دوم، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۵.
- حلبی، سیدحمزه بن‌علی. غنیه‌النزوع‌من‌الاصول‌الی‌الفروع، جلد دوم، چاپ اول، قم، مؤسسه الامام‌صادق، ۱۴۱۸.
- حلی، ابی‌منصور حسن. قواعد‌الاحکام، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸.
- حلی، حسن بن‌یوسف. قواعد‌الاحکام، قم، انتشارات جامعه مدرسین، حوزه علمی، ۱۳۸۷.
- رملی، شمس‌الدین محمد بن ابی‌العباس. نهاییه‌المحتاج‌الی‌شرح‌المنهاج، جلد چهارم، بی‌چاپ، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ستوده‌تهرانی، حسن. حقوق تجارت، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۸.

- سکوتی نسیمی، رضا. مباحثی تحلیلی از حقوق اسناد تجاری، چاپ سوم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۷.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، نظریه العقد، جلد اول، بی‌جا، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۱۹۸۸.
- صفایی، سیدحسین، عادل، مرتضی، کاظمی، محمود و میرزائزاد، اکبر. حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی، تهران، چاپ اول، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم. حاشیه‌های مکاسب، بی‌جا، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۸.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. کتاب الخلاف، جلد سوم، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵.
- طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن. المبسوط فی الفقه الامامیه، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۵.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی؛ اقتصاد سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- فاروقی، حارث سلیمان. المعجم القانوني، چاپ پنجم، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۸۸.
- کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی: عقود معین، جلد چهارم، چاپ دوم تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۶.
- کاویانی، کوروش. حقوق اسناد تجاری، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- کرکی، علی بن الحسین. جامع المقاصد فی شرح القواعد، جلد پنجم، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۲۹.
- کریمی، عباس. ادله اثبات دعوا، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.
- کریمی، عباس، علاء مهدی. «چالش‌های حقوقی معاملات شخص با حسن نیت و آثار آن»، فصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، شماره هشتم، ۱۳۹۶.
- محقق داماد، سیدمصطفی. قواعد فقه: بخش مدنی ۲. چاپ پانزدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۶.
- محمدی، ابوالحسن. قواعد فقه. چاپ هشتم. تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- مدنی، سیدجلال‌الدین. حقوق مدنی، جلد پنجم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۶۹.
- مرتاضی، احمد، حاج حسینی، حسین. «بررسی معنای قیام‌امارات و اصول به جای قطع با رویکردی به نظر امام خمینی»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره شصتم، ۱۳۹۹.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمدحسن. القواعد الفقهیه. جلد دوم، چاپ دوم، قم، منشورات دلیل‌ما، ۱۳۸۵.
- نایینی، محمدحسین، وسیله النجاه ویلیه ثلاث رسائل له، تهران، دارالتفسیر، ۱۳۸۶.

- نجفی، محمدحسن. جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد بیست و ششم، چاپ پنجم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.

منابع لاتین

- Crawford, J. Brownlie's principles of public international Law, Oxford, Oxford University Press, 1973.
- Dobson, P. Charlesworthy's Business Law, 6 ed, Lindon, Sweet & Maxwell, 1999.
- Gulshan, S.S & Kapoor, G.K. Business Law, New age International, Limited Publisher, 2001.





Limits of Separation of Documentary Relationship from Primary Relationship in commercial paper Law with Jurisprudential Approach

Ahmad Esfandiari^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Private Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 43-60

Article history:

Received: 28 Dec 2020

Edition: 8 Mar 2021

Accepted: 2 May 2021

Published online: 22 Jun 2021

Keywords:

Separability, Commercial Document, Justice, Signature, Defect

Corresponding Author:

Ahmad Esfandiari

Address:

Department of Private Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-2718-8467

Tel:

09111537175

Email:

Ahmadesfandiari@iausari.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Contrary to the jurisprudential rules and regulations of civil law, which seek the realization of rights and the establishment of justice, in which the cause is considered one of the pillars of any legal action, and the transmission of religion is absolutely affected by the initial relationship. The law of commercial documents is influenced by some legal systems, which consider such a transfer to be absolutely independent of the effect of the cause. The present study examines the limits of the separation of the document relationship from the original relationship in commercial document law.

Materials and Methods: This research is of theoretical type. The research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: In all stages of writing the present study, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The holder of a commercial document has transferred it from the previous holder due to the trust in the emergence created by its signature. Therefore, he has the right to refer to them to receive the amount stated in the document, even if the obligor of the document has good reasons for non-payment against the transferor. The main purpose of commercial law in general, especially commercial contract law and especially brotherhood law, contrary to the jurisprudential rules and regulations of civil law, is, first and foremost, to ensure speed and order. One of the means to achieve this goal is to neutralize the effects of pre-document relationships to maintain the integrity of your obligations.

Conclusion: From all the existing dim regulations governing you, promissory notes and checks in Iranian law, we can see traces of the separation of the document relationship from the original relationship. Due to the obsolescence of the relevant laws and the existence of inherent weaknesses, the commercial document rights of our country are far from the modern commercial document rights. To compensate for the existing shortcomings before the implementation of legal amendments, the legislative vacuum can be overcome by using the existing laws along with legal doctrine and jurisprudence and jurisprudential views.

Cite this article as:

Esfandiari A. Limits of Separation of Documentary Relationship from Primary Relationship in commercial paper Law with Jurisprudential Approach. *Bioethics Journal* 2021; 3(2): 43-60.